

## نقد دیدگاه مخالفان حکمرانی سیاسی اهل بیت :

دریافت: ۱۴۰۲/۱/۱۰ تأیید: ۱۴۰۲/۴/۴ جواد سلیمانی\*

### چکیده

یکی از مسایل اساسی در حوزه سیره اهل بیت :، مسأله نسبت آن ذوات مقدس با سیاست است؛ در یک تقسیم‌بندی کلی دو نظریه در این مورد مطرح شده است. نظریه نخست، نظریه مخالفان حکمرانی سیاسی اهل بیت : است. نظریه دوم، نظریه موافقان حکمرانی سیاسی اهل بیت : است. در این مقاله با روش تاریخی - تحلیلی، نظریه اول که توسط برخی از علمای وهابی، روشن‌فکران مذهبی و محققان زیدی‌مذهب بیان شده نقد گردیده و در ضمن آن، مؤیدات نظریه دوم که توسط برخی از محققان شیعه معاصر بیان شده تبیین می‌گردد.

برداشت نادرست از هدف تشکیل حکومت در اسلام، خلط بین عدم اجبار در پذیرش دین اسلام با عدم الزام در اجرای احکام اسلام، عدم التفات به گستره مفهوم ولایت اهل بیت : و منحصرکردن فعالیت سیاسی به قیام مسلحانه، عدم درک همه ابعاد فعالیت‌های سیاسی اهل بیت :، جزئی‌نگری به تاریخ اهل بیت : و عدم نگرش کل‌نگر به تاریخ و سیره اهل بیت :، مهم‌ترین عناصر تأثیرگذار در انکار مسؤولیت حکمرانی سیاسی اهل بیت : است.

### واژگان کلیدی

رابطه دین و سیاست، سیره سیاسی اهل بیت :، حکمرانی سیاسی

\* دانش‌آموخته حوزه علمیه و عضو هیأت علمی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی :

soleimani@qabas.net

## مقدمه

با مطالعه آثار نگاشته‌شده در زمینه سیره اهل بیت<sup>ع</sup>، معلوم می‌شود بسیاری از سیره‌نویسان شیعه با این پیش‌فرض سیره نگاشته‌اند که حق حاکمیت سیاسی از آن اهل بیت<sup>ع</sup> بوده ولی به دلایلی ترجیح داده‌اند به جای این که کنش‌گر فعال سیاسی باشند، بیش‌تر در برابر تهاجم دستگاه حاکم جائر زمانه واکنش نشان دهند. لذا سیره سیاسی اهل بیت<sup>ع</sup> را در قالب رفتارهای واکنشی در برابر سلاطین زمانه‌شان نگاشته و تحلیل کرده‌اند. یعنی لااقل چهره برخی از امامان شیعه را به گونه‌ای ترسیم نموده‌اند که تا زمانی که حاکمان جور متعرض‌شان نشده‌اند، آنان به عنوان یک کنش‌گر سیاسی هدف مهم سیاسی‌ای را تعقیب نکرده و با دستگاه حاکمه زمانه درگیر نشده‌اند.

پیش‌فرض فوق که در ضمیر خودآگاه یا ناخودآگاه بسیاری از سیره‌نگاران بوده، موجب گردید، در باره نسبت اهل بیت<sup>ع</sup> با سیاست از منظرهای گوناگونی بحث شود، برخی بر مبنای دلایل عقلی (مصباح یزدی، ۱۳۷۵، ص ۴۱۸-۳۳۹) و برخی دیگر بر مبنای آیات و روایات، نسبت اهل بیت<sup>ع</sup> با سیاست را مورد بحث قرار داده و اصل حاکمیت سیاسی اهل بیت<sup>ع</sup> را اثبات نموده‌اند (جوادی آملی، ۱۳۷۹، ص ۳۵۰-۳۴۰ و مصباح، ۱۳۸۴، ص ۲۳۰-۲۲۹). برای مطالعه بیش‌تر، به کتاب عبققات الانوار، اثر میرحامدحسین هندی و کتاب الغدیر، اثر علامه امینی مراجعه فرمایید. بعضی دیگر بر مبنای برخی آیات قرآن و شواهد تاریخی در مورد نسبت آن بزرگواران با سیاست اظهار نظر کرده‌اند. حال از آن جا که پرداختن به همه مبانی در این مقاله میسر نیست، برخی از مهم‌ترین نظریات مبتنی بر آیات و شواهد تاریخی را مطرح و مورد نقد و بررسی قرار می‌دهیم.

پرسش اصلی این مقاله آن است که آیا اهل بیت<sup>ع</sup>؛ یعنی پیامبر خاتم ۹ و دوازده امام معصوم<sup>ع</sup>، برای خود مسئولیت حکمرانی سیاسی قایل بوده و همواره در پی تشکیل حکومت بوده‌اند یا تنها در برخی از مواقع به دنبال تشکیل حکومت رفته‌اند؟

برخی از محققان با استناد به متون دینی و تاریخ اهل بیت :، حرکت مستمر سیاسی اهل بیت : را در مورد همه یا برخی از اهل بیت : انکار می‌کنند، ولی برخی دیگر حرکت مستمر سیاسی آن بزرگواران را تأیید می‌کنند. در این مقاله نظریه مخالف حرکت مستمر سیاسی اهل بیت : مطرح و مورد نقد قرار گرفته و در ضمن نقد آن نظریه، حامیان حرکت مستمر سیاسی اهل بیت : تبیین می‌شود.

شایان ذکر است تا کنون آثار زیادی در زمینه حکومت در اسلام یا نظام سیاسی اسلام نگاشته شده و در آن از شرایط حاکم در اسلام و مصادیق آن بحث شده و حق حاکمیت سیاسی اهل بیت : به اثبات رسیده است، ولی کم‌تر در زمینه رسالت سیاسی اهل بیت : و عزم تشکیل حکومت در آن بزرگواران بحث شده است. لذا کتاب مستقلی در این زمینه یافت نشده است، لذا در این مقاله نظریات مختلف از لابه‌لای برخی آثار استخراج و مورد نقد و بررسی قرار می‌گیرد.

### **مخالفان مسؤولیت حکمرانی اهل بیت :**

برخی از محققان تاریخ اسلام معتقدند اهل بیت : وظیفه حکمرانی بر مردم را احساس نکرده، لذا عزم تصاحب مدیریت سیاسی جامعه در آن‌ها مشاهده نمی‌شد. طرفداران این نظریه خود به دو دسته تقسیم می‌شوند، دسته اول منکر رسالت سیاسی و تلاش برای تشکیل حکومت همه اهل بیت : هستند. ولی دسته دوم منکر رسالت سیاسی برای همه اهل بیت : نیستند، بلکه معتقدند، برخی از اهل بیت برای خود رسالت سیاسی احساس کرده و در پی تشکیل حکومت بوده‌اند، ولی برخی دیگر، رسالت سیاسی برای خود قایل نبوده و عزم تشکیل حکومت نداشته‌اند.

### **منکران مسؤولیت حکمرانی اهل بیت : به‌طور مطلق**

برخی از روشن‌فکران دینی معتقدند اهل بیت : مأمور به ورود در سیاست و تشکیل حکومت نبوده‌اند، لذا چنین وظیفه‌ای را در خود احساس نکرده و عزم تشکیل حکومت نداشته‌اند.

مهدی بازرگان یکی از این افراد است که نه تنها رسالت سیاسی و عزم تشکیل

حکومت را برای امامان شیعه نفی می‌کند، بلکه معتقد است اساساً هیچ پیامبری وظیفه‌ای به نام ورود در عرصه سیاست و تشکیل حکومت احساس نمی‌کردند، ایشان معتقد است قرآن از پیامبر خاتم ۹ بیش از تذکر و انذار و ابلاغ دعوت پا فراتر نهد. قرآن خطاب به پیامبر ۹ تصریح می‌کند که شما موکل و مصیطر بر مردم و مسؤول ایمان و اعمال آنان نیستی:

پس به طریق اولی نمی‌خواهد هیچ فرد مؤمن؛ خواه عامی و خواه از خواص یا از داعیان خلافت و ولایت و وراثت پیامبران و پیشوایان، به اسم تبلیغ و تحمیل دین و حتی دفاع از آن به کسی فشار وارد آورد، تا چه رسد به اجرای دین و واداشتن مردم به عبادات خدا (بازرگان، ۱۳۷۷، ص ۲۲).

از منظر این پایگاه فکری، تشکیل حکومت دینی توسط پیامبران خود نوعی تحمیل دین و اعمال فشار بر مردم است. ایشان با استناد به آیاتی چون «لَسْتَ عَلَيْهِمْ بِمُصَيِّرٍ» (غاشیه (۸۸): ۲۲)؛ تو سلطه‌گر بر آنان نیستی که (بر ایمان) مجبورشان کنی یا «لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ» (بقره (۲): ۲۵۶)؛ در قبول دین، اکراهی نیست یا «لَسْتُ عَلَيْكُمْ بِوَكِيلٍ» (انعام (۶): ۶۶)؛ من بر شما نگهبان نیستم، عدم اجبار در پذیرش دین را به معنای عدم الزام در اجرای احکام اسلام می‌گیرد (بازرگان، ۱۳۷۷، ص ۲۲).

بنابراین، بر اساس این دیدگاه، اساساً قلمرو دین از سیاست به معنای تشکیل حکومت و حکمرانی جدا است و پیامبران و به تبع آن‌ها امامان شیعه مأموریتی از سوی خداوند برای تشکیل حکومت قایل نبودند. ریشه تفکر انکار رسالت سیاسی اهل بیت : را می‌توان در کلمات ابن تیمیه (م ۷۲۸ق) رهبر فکری وهابیت جست‌وجو کرد؛ زیرا او مدعی بود:

علی ۷ هیچ‌گاه معتقد نبود که رهبر امت است ... این ادعا هم که حاکمان، ظالمانه مانع رسیدن آنان (امامان شیعه) به حقوق‌شان شده باشند نیز پذیرفتنی نیست؛ زیرا امامان شیعه هیچ‌گاه پی‌گیر رهبری خود نشدند و اصلاً چنین اعتقادی نداشتند و انتساب چنین مطالبی به امامان شیعه دروغ‌بستن به آنان است (ابن تیمیه، ۱۴۰۶ق، ج ۴، ص ۱۱۹-۱۱۸).

او معتقد است نه تنها دین حاکمیت سیاسی را حق انحصاری امامان شیعه در عصر حضور نمی‌داند، بلکه آنان چنین حقی برای خود قایل نبوده‌اند و سیره سیاسی آن‌ها حاکی از عزم تشکیل حکومت نیست. لذا ابن تیمیه می‌گوید:

علی 7 مردم را در زمان خلافت ابوبکر و عمر و عثمان به اطاعت از خودش دعوت نکرد (همان، ج 7، ص 109).

بنابراین، طبق این نظر، در تفکر اسلامی هیچ دلیلی بر ولایت سیاسی اهل بیت : به عنوان یک حق انحصاری آسمانی وجود ندارد و گفتار و کردار اهل بیت نیز حاکی از احساس حق انحصاری حاکمیت سیاسی و تلاش برای به‌دست‌گرفتن در آن بزرگواران نیست.

#### نقد

در نقد این دیدگاه باید گفت مهندس بازرگان در جای جای اثرش معارف اسلامی را تحریف می‌کند. به عنوان نمونه، ایشان به خواننده چنین القا می‌کند که هدف از تشکیل حکومت توسط مسلمانان تحمیل کردن دین بر مردم است؛ در حالی که تشکیل حکومت با هدف تحمیل کردن دین بر مردم نیست، بلکه تشکیل حکومت ابزاری برای بسترسازی حیات طیبه و تعلیم و تزکیه مردمی است که دین و حکومت دینی را پذیرفته‌اند. لکن در هر حکومتی طغیان‌گرانی هستند که با آگاهی‌بخشی و تشویق و نصیحت هدایت نمی‌شوند و با تجاوز به حقوق دیگران، در نظم عمومی اختلال ایجاد می‌کنند و مسیر هدایت دیگران را مسدود می‌کنند، لذا به حکم عقل، برای محدود کردن آنان، قوانین جزایی و تنبیهی وضع می‌شود تا مؤید تعلیم و تزکیه عمومی باشد (جوادی آملی، 1379، ص 335).

ایشان مدعی است خداوند بر طبق نصوص مکرر قرآن نخواست است رسول مأمور او، سر سوزنی در رسالت و دعوت خود از حدود تذکر و انذار و ابلاغ پا فراتر گذارده و خود را موکل و مصیطر بر مردم بداند؛ در حالی که مراد از آیاتی که موکل یا مصیطر بودن رسول خدا 9 یا اکراه در دین را نفی می‌کند، این است که پیامبران و

حکومت دینی حق ندارند مردم را به زور مجبور به پذیرش اصل دین و شریعت اسلام بکنند. نه این که مسئولیتی در اجرای احکام دین و امر به معروف و نهی از منکر ندارند. بی تردید احکام شریعت اسلام، اعم از آنچه که مربوط به کافران یا مربوط به مؤمنان است، لازم الاجرا می‌باشد. لذا انجام فریضه امر به معروف و نهی از منکر و اجرای قوانین مجازات اسلامی جزء وظایف حاکم و حکومت اسلامی است.

ایشان مأموریت اهل بیت : را در اموری چون تذکر و انذار و ابلاغ دعوت دین خلاصه می‌کند؛ در حالی که گستره رسالت اهل بیت : بیش از این است؛ زیرا بر اساس آیه شریفه:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ»

(نساء: ۴: ۵۹)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از خدا اطاعت کنید و از رسول خدا و اولوالامر [اوصیای پیامبر] نیز اطاعت کنید.

رسول خدا ﷺ و اولوالامر که طبق روایات منقول از شیعه و سنی، اهل بیت : هستند، بر مردم ولایت دارند. زیرا اگر مقصود از «اطیعوا الرسول» صرفاً اطاعت از وحی و کلام خدا بود، تکرار کلمه «اطیعوا» لازم نبود؛ چون اطاعت از رسول، همان اطاعت از خدا بود. تکرار اطیعوا نشان می‌دهد غیر از دستورات و حیانی که توسط پیامبر به مردم ابلاغ می‌شد، اطاعت از دستورات پیامبر و اهل بیت : نیز ضرورت دارد. در ضمن قرآن می‌فرماید:

«الَّتِي أُولَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ» (احزاب: ۳۳: ۶)؛ پیامبر نسبت به مؤمنان از خودشان سزاوارتر است.

یعنی پیامبر ولایت تعیینی بر جان مؤمنین دارد، در نتیجه به طریق اولی ولایت بر مال آنان نیز دارد و بر اساس حدیث غدیر، امیر مؤمنان 7 نیز چنین ولایتی را بر مؤمنان دارد؛ زیرا رسول خدا ﷺ در غدیر خم فرمود:

«أنا مولی المؤمنین و أنا أولى بهم من أنفسهم» (ابن ابی زینب، ۱۳۹۷ق،

ص ۶۹ و ابن حیون، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۱۰۱)؛ من مولای مؤمنانم و برای‌شان از خودشان بیش‌تر ولایت دارم.

سپس فرمود:

«فقال من كنت مولاة فعلى هذا مولاة» (همان)؛ هرکس من مولای او بودم،  
علی مولای اوست.

یعنی همان ولایتی که من بر شما دارم، علی 7 نیز دارد و این همان ولایت در  
حکومت است؛ زیرا حکومت چیزی جز حاکمیت بر جان و مال نیست.

### تحریف سیره سیاسی اهل بیت :

ابن تیمیه نیز سیره اهل بیت : را تحریف نموده و مدعی می‌شود امامان شیعه  
حکومت را از آن خود ندانسته و علی 7 هیچ‌گاه معتقد نبود که رهبر امت است (ابن تیمیه،  
۱۴۰۶ق، ج ۴، ص ۱۱۹-۱۱۸)؛ در حالی که امام علی 7 می‌فرمود نسبت من به خلافت،  
نسبت محور آسیاب به آسیاب است (نهج البلاغه، خطبه ۳) و بعد از نافرمانی‌های مردم بعد  
از جنگ صفین هم‌چنان برای حفظ حکومتش تلاش کرد. بعد از آن حضرت، فرزندش امام  
حسن 7 در شرایط بحرانی، حکومت اسلامی را در دست گرفت و برای حفظ حکومت  
و از بین بردن تهدید سپاه معاویه، لشگری برای جنگ با او ترتیب داد و وقتی که از وفای  
یارانش نومید شد، به ناچار صلح با معاویه را پذیرفت، ولی شرط کرد که حکومت بعد از  
معاویه باید به حسن بن علی برسد، اما بعد از مرگ معاویه یزید پسر معاویه به حکومت  
رسید و امام حسین 7 نیز فوراً قیام کرد و امامت را از آن خود خواند و فرمود: «ما الإمام  
إلا الحاكم بالكتاب القائم بالقسط» (شیخ مفید، ۱۴۱۳ق (الف)، ج ۲، ص ۳۹)؛ امام و رهبر  
کسی است که بر اساس کتاب خدا حکم کند و قسط و عدل را پیاده کند.

### منکران مسؤولیت حکمرانی اهل بیت : به‌طور متجزی

دومین جریانی که مسؤولیت حکمرانی اهل بیت را بر پایه اخبار تاریخی زیر سؤال  
می‌برد، جریانی است که رسالت سیاسی و عزم تشکیل حکومت را تنها برای برخی از  
امامان شیعه می‌پذیرد، لکن با استشهاد به سیره برخی از امامان شیعه که از مبارزه نظامی  
با خلیفه زمان‌شان فاصله گرفته‌اند، وظیفه تشکیل حکومت را به عنوان یکی از شؤون  
مقام امامت اهل بیت : در شیعه نفی می‌کند.

یکی از چهره‌های طرف‌دار این دیدگاه، دکتر محمدعلی امیرمعزی از پژوهش‌گران و استادان شیعه‌شناسی در دانشگاه سوربون فرانسه است. وی در کتاب «پیشوای ربانی در تشیع نخستین»، «Le Guide Divine Dance le shi'ism Originel» که در سال ۱۹۹۲ میلادی به زبان فرانسه به چاپ رسیده است دیدگاهش را بیان می‌کند. آرای امیرمعزی در کتاب مذکور، در مقاله «نظریه (امامت باطنی در تشیع نخستین) در بوته نقد» طرح و نقد شده است (رضایی و نصیری، ۱۳۹۱، ش ۳).

ایشان حیات سیاسی ائمه شیعه را به چهار دسته ذیل تقسیم می‌کند:

۱. امام علی ۷، امام حسن ۷ و امام رضا ۷، این سه امام به‌طور مستقیم با مسایل سیاسی درگیر بودند. این امامان اولاً به اجبار و اکراه و اصرار مردم به سیاست روی آوردند و ثانیاً هر کدام غیر از دورانی که متصدی امور سیاسی شدند، زندگانی‌ای سراسر غیر سیاسی داشتند.

۲. امام علی بن الحسین، محمد بن علی الباقر، جعفر بن محمد الصادق، موسی بن جعفر الکاظم، محمد بن علی الجواد، علی بن محمد النقی و حسن بن علی العسکری ؛ هفت امامی بودند که دخالتی در امور سیاسی نمی‌کردند و در منابع هیچ گونه فعالیت سیاسی به آنان نسبت داده نشده است (همان).

۳. امام حسین ۷ به عنوان نمونه خاص؛ امیرمعزی معتقد است که هیچ چیز نشان نمی‌دهد که امام حسین ۷ تصمیم به مبارزه مسلحانه با بنی‌امیه داشته است و در حقیقت، مسلم بن عقیل باب دشمنی با بنی‌امیه را باز کرد و تلاش‌های امام برای گفت‌وگو و مذاکره بی نتیجه ماند.

به اعتقاد او، هیچ یک از امامان بعدی حضور امام حسین ۷ در کربلا را حضور سیاسی با هدف سرنگون کردن حکومت تفسیر نکرده‌اند، بلکه این اقدام ایشان را اقدام دوست خدا و تحقق تقدیر او بنا بر اراده محبوب تفسیر کرده‌اند (همان).

۴. امام زمان (نمونه خاص دیگر) است که بر اساس آموزه‌های امامیه، رجعتی پیروزمندانه خواهد داشت و وظیفه شیعه تنها انتظار ظهور اوست و هر کوشش سیاسی از جانب شیعیان در زمان غیبت او محکوم به شکست و ظالمانه و غاصبانه است (همان).



امیرمعزی بر اساس این دسته‌بندی معتقد است، امامان شیعه تنها امامت باطنی و معنوی جامعه را داشته‌اند و امامت سیاسی برای خود قایل نبوده‌اند.

برخی از محققانی که گرایش زیدی (زیدیه فرقه‌ای از فرقه‌های شیعه هستند که قایل به امامت علی بن ابی طالب و الحسن و الحسين و زید بن علی : و بعد از این چهار امام، امامت هر کسی از فرزندان فاطمه که مردم را برای قیام به شمشیر به سوی خود دعوت کند، می‌پذیرند؛ البته به شرط این‌که اهل علم و شجاعت و عدالت ظاهری باشد) (شیخ مفید، ۱۴۱۳ق (ب)، ص ۳۹)، دارند، معتقدند ائمه : به علت مهیا بودن شرایط قیام تا زمان امام حسین 7 به دنبال تشکیل حکومت بودند، اما بعد از امام حسین 7 دیگر این شیوه را رها کردند و دست از انجام فعالیت سیاسی برداشتند و فقط به مباحث کلامی و اعتقادی و بیان مسایل شرعی پرداختند.

از منظر برخی از محققان زیدی‌مذهب، امامان شیعه، بعد از امام حسین 7 یک رفتار عکس‌عملی و واکنشی نسبت به جریان‌ات سیاسی عصر خود داشتند. وقتی دعوت‌نامه ابو مسلم مروزی، یکی از فرماندهان قیام ایرانیان بر ضد امویان برای حضرت صادق 7 فرستاده می‌شود تا فرماندهی قیام را بپذیرد، آن حضرت بیعت آنان را نپذیرفته می‌فرماید: تو از مردان من نیستی و زمانه هم زمانه قیام من نیست (قندوزی، ۱۴۲۲ق، ج ۳، ص ۱۶۱).

یعنی در مقابل این درخواست عکس‌عمل منفی نشان می‌دهد. رهبری قیام عباسی را نمی‌پذیرد. هم‌چنین سایر امامان شیعه، بعد از امام صادق 7 دست به قیام بر ضد خلیفه زمان‌شان نزده‌اند.

سمیره مختار اللیثی از محققان زیدی‌مذهب در کتاب «جهاد الشیعة فی عصر العباسی الاول» چنین دیدگاهی دارد (مختار لیثی، ۱۴۲۸ق، ص ۳۶). وی می‌نویسد:

امام علی زین‌العابدین نیز با ترک سیاست و روی آوردن به دین و عبادت خدا، تنها رهبری معنوی شیعیان را عهده‌دار شد. امام سجاد یک رهبر سیاسی و انقلابی نبود که جماعت شیعه را رهبری کند و حتی ترجیح داد تمام عمرش را در مدینه منوره بماند (همان).

برخی دیگر از محققان زیدی مذهب؛ مانند دکتر احمد محمود صبحی در کتاب «نظریه الامامة لدى الشيعة الاثني عشرية» (محمود صبحی، ۱۴۱۱ق، ص ۳۴۹، ۳۵۸ و ۳۷۰)، دکتر ناجی حسن نیز در کتاب (ناجی، ۱۴۲۱ق، ص ۳۱-۳۰)، دکتر کامل مصطفی الشیب، محقق دیگری است که در کتاب (شیبی، ۱۹۸۲م، ج ۲، ص ۱۶) نیز چنین دیدگاهی دارند.

با توجه به شواهد فوق، معلوم شد دست کم برخی از محققان زیدی مذهب معتقدند پس از شهادت امام حسین 7 امام سجاد و امام باقر و امام صادق :، نه تنها برای به دست گرفتن حکومت خیز بر نداشته، بلکه در حواث سیاسی فراگیر زمانه شان ورود نکرده اند و عزلت گزینی سیاسی را بر میدان داری ترجیح داده اند؛ نه تنها از متن، بلکه از حاشیه حوادث سیاسی زمانه شان فاصله گرفته اند.

بنابراین، منکران مسئولیت حکمرانی اهل بیت :؛ چه به نحو مطلق و چه به نحو متجزی، در این اشتراک نظر دارند که برخی از ائمه : موظف به قیام برای تشکیل حکومت اسلامی نبوده و اراده به دست گرفتن قدرت سیاسی را نداشتند و از سیاست فاصله گرفته معطوف به رهبری علمی و اخلاقی امت شیعه شدند و عملاً هیچ فعالیت سیاسی را رغم نزده اند. با توجه به این مدعا نقدهای ذیل بر آن وارد می شود.

#### نقد

مهم ترین نقدهای وارد بر دیدگاه فوق، به شرح ذیل است:

#### برداشت نادرست از مفهوم فعالیت های سیاسی

منکران رسالت سیاسی اهل بیت : فعالیت سیاسی را تنها منحصر در قیام مسلحانه بر ضد حاکم زمانه و تشکیل حکومت می دانند. در حالی که فعالیت سیاسی، مفهوم عامی است که مصادق فراوانی دارد، لکن یکی از بارزترین این مصادیق، مبارزه مسلحانه و تشکیل حکومت است. به عنوان نمونه تولید مبانی فکری و دینی یک قیام و حکومت، یک فعالیت سیاسی محسوب می شود، لذا سلاطین دانشمندان را که مبانی

فکری و دینی مبارزان مسلح مخالفشان را تولید می‌کنند و کسانی را که به نشر آنها می‌پردازند، دستگیر و تنبیه می‌کنند.

سیاست در لغت به معنای اداره امور است، لذا سیاست را به سرپرستی چیزی در جهت اصلاح آن ترجمه نموده (زبیدی، ۱۴۱۴ق، ج ۸، ص ۳۲۲) در اصطلاح علم سیاسی نیز سیاست عبارت است از کوشش یک جامعه برای نیل به یک زندگی خوب، به دیگر سخن، سیاست؛ یعنی تدبیر امور فرد یا جامعه در جهت سعادت و صلاح (جولیوس گولد و ویلیام ل، ۱۳۷۶، ص ۵۳۱).

از منظر حضرت امام خمینی ۱ سیاست کنش سیاسی شامل اقدامات بسترساز قیام و تشکیل حکومت را نیز در بر می‌گیرد، لذا می‌فرماید:

سیاست به معنای این که جامعه را راه برد و هدایت کند، به آن جایی که صلاح جامعه و صلاح افراد است، این در روایات ما برای نبی اکرم ۹ با لفظ سیاست ثابت شده است (امام خمینی، ۱۳۵۹، ج ۱۳، ص ۴۳۳).

بنابراین، تعریف رهبری جامعه به سوی خیر و صلاح، به معنای سیاست کردن امت است، لکن از آنجا که هدایت امت در سطح کلان جز در سایه تشکیل حکومت ممکن نیست، تشکیل حکومت مصداق بارز اقدام سیاسی است. لکن سایر کنش‌های مقدماتی؛ مانند تولید، تبیین و تبلیغ مبانی، ساختار و اهداف حکومت نیز جزء مصادیق کنش سیاسی است. از این رو، مجموعه اقدامات نبی مکرم اسلام در مکه و مدینه در روایت ذیل، اقدام سیاسی آن حضرت، سیاست خوانده شده است.

خداوند پیامبرش را با آداب نیک بیاراست. ... آن گاه سرنوشت دین و دنیای مردم را به وی سپرد تا بندگانش را سیاست و رهبری کند (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۲۶۶).

در حالی که قیام و برپایی حکومت نبوی ۹ پس از هجرت به مدینه اتفاق افتاد و دوران قبل از هجرت در مکه صرفاً مبانی، فلسفه و اهداف حکومت اسلامی برای مردم تبیین می‌شد.

بر همین اساس تمام اهل بیت : در زیارت جامعه کبیره، «ساسة العباد» (ابن بابویه،

۱۳۷۸ق، ج ۲، ص ۲۷۳ و همو ۱۳۹۵ق، ج ۲، ص ۶۱۰؛ سیاست‌کنندگان بندگان» معرفی شده‌اند؛ درحالی که همگی قیام نظامی نکرده و حکومت تشکیل نداده‌اند. ولی همگی در راه بسترسازی حکومت اسلامی جهاد کردند.

بنابراین، با توجه به معنای لغوی و اصطلاحی سیاست و آنچه در روایات در باره اهل بیت : آمده است، نمی‌توان سیره ائمه : در ۲۵۰ سال عصر حضور را غیر از کار سیاسی ارزیابی کرد. چه این که آموزش افکار صحیح و درست در باره مفهوم امامت، تشکیل کادرهای منظم و نیمه‌مخفی، تربیت شاگردان خیره و طراز اول از لحاظ علمی در زمینه‌های مختلف علوم اسلامی با نگاه نافذ و دقیق در مسائل کلامی و غیر کلامی مصداق بارز فعالیت سیاسی است. هم‌چنین فرستادن بعضی از افراد به مناطق مختلف برای دعوت به خویش و راهنمایی افراد در قیام‌ها و ارتباط با آن‌ها مفهومی کار سیاسی و تلاش برای تشکیل حکومت است. لذا اولین اشتباه کسانی که گفته‌اند ائمه : کار سیاسی نمی‌کردند، بی‌توجهی به مفهوم سیاست و خاص کردن آن در یک معنای جزئی؛ یعنی مبارزه مسلحانه و تشکیل حکومت و برداشت غلط از مفهوم عام سیاست است.

### **عدم التفات به همه محورهای مبارزات سیاسی اهل بیت :**

با یک نگاه اجمالی به تاریخ زندگانی ائمه، این مسأله به وضوح دیده می‌شود که نوع رفتار آن بزرگواران در طول حیات‌شان مشحون از فعالیت‌های سیاسی و مبارزاتی است. مواعظ امام سجاد، زنده‌نگه‌داشتن قیام جاودان عاشورا، مبارزه با علمای درباری؛ مانند نامه تند حضرت به زهری، بیان معارف در قالب دعا، بیان مسأله امامت در دعاها که نمونه‌های آن در کتاب شریف صحیفه سجادیه موجود است؛ مانند دعای بیستم که به مکارم الاخلاق معروف است، حضرت به گونه‌ای شکوائیه خود را از دشمنان خویش و زورگویی‌های آن‌ها ابراز می‌دارد که از این نظر یک کار سیاسی ارزیابی می‌شود. حضرت می‌فرمایند:

بار خدایا بر محمد و آل او درود فرست و برای من بر کسی که بر من ستم

کند، دستی (نیرویی) و بر آن که با من مخاصمه کند، زبانی (منطقی قوی) و بر آن که به من دشمنی کند، پیروزم ده و به من بر آن که در باره‌ام حيله‌گری کند، راه و تدبیر و بر آن که بر من مسلط شود، توانایی و بر آن که مرا دشنام دهد، تکذیبی و از آن که مرا می‌ترساند، سلامتی ببخش و به فرمان‌بری آن که مرا به راه راست آورد و پیروی کسی که مرا راهنمایی نماید، توفیقم ده (علی بن الحسین، ۱۳۷۶، ص ۹۴).

در دوره ائمه : بعد از امام سجاد 7 نیز همین سیره ادامه پیدا کرد تا جایی که امام باقر 7 وصیت فرمود در منی به مدت ده روز برای او مجلس عزای بر پا کنند. پیداست تشکیل ده روز مجلس عزای در ایام حج، در سرزمین منایی که جمعیت در آن وقوف دارند و موجب بالأخره ایجاد این سؤال می‌شود که ایشان چگونه رحلت کردند، تأیید بعضی از قیام‌ها در زمان ائمه : و رد آنها نیز نمونه خوب دیگری است که نشان از سیره سیاسی - مبارزاتی اهل بیت : دارد.

در ارتباط با این موضوع، امام باقر 7 قیام مختار (تستری، ۱۴۲۸ق، ج ۱۰، ص ۱۶-۶)، امام صادق 7 قیام زید (ابن بابویه، ۱۳۷۸ق، ج ۱، ص ۲۴۹)، امام کاظم 7 قیام شهید فخر (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۳۶۶ و اصفهانی، ۱۴۰۸ق، ص ۳۷۶) را تأیید می‌کنند و در مقابل برخی از آنها؛ مانند قیام زید النار موضع می‌گیرند (ابن بابویه، ۱۳۷۸ق، ج ۱، ص ۲۴۹-۲۴۸) یا سکوت می‌کنند (ابن اثیر، ۱۳۸۵، ج ۴، ص ۱۲۱-۱۱۱ و اربلی، ۱۴۲۱ق، ج ۲، ص ۱۰۱). امام سجاد 7 در برابر قیام مردم و قیام توابعین موضعی نمی‌گیرند (ابن اثیر، ۱۳۸۵، ج ۴، ص ۱۰۴-۱۰۲ و ۱۱۱-۱۲۱ و ۱۵۸-۱۶۵ و اربلی، ۱۴۲۱ق، ج ۲، ص ۱۰۱)، امام صادق 7 در برابر دعوت عباسیان به قیام، دعوت‌نامه را پاره می‌کنند و دوست‌داران خودشان را از شرکت در این قیام برحذر می‌دارند (اصفهانی، ۱۴۰۸ق، ص ۱۸۶-۱۸۵؛ اربلی، ۱۴۲۱ق، ج ۲، ص ۷۰۷ و قندوزی، ۱۴۲۲ق، ج ۳، ص ۱۶۱).

در این راستا مناظرات ائمه : با علمای بلاد مختلف نیز نمونه دیگری از فعالیت سیاسی آنها به حساب می‌آید؛ چون دستگاه خلافت این‌گونه مناظرات را برای

از بین بردن شأن و منزلت ائمه در چشمان پیروان آنها ترتیب می‌داد و منظورش فقط یک جلسه علمی صرف نبود، لذا مقابله با این نوع از حیل‌گری دستگاه خلافت یک نوع کار سیاسی تلقی می‌شود.

تقویت بنیان اقتصادی شیعیان؛ مانند کمک‌های علی بن یقطین به شیعیان با راهنمایی امام کاظم 7 (تستری، 1428ق، ج 7، ص 620-608) و همچنین مواضع منفی که بعضی از ائمه : در برابر ترندهای دستگاه خلافت برای از بین بردن و جاهت امام در جامعه داشتند؛ مانند موضع منفی امام رضا 7 در مقابل مأمون برای پذیرفتن خلافت و ولایت‌عهدی نیز در همین ارتباط تعریف می‌شود (شیخ مفید، 1413ق (الف)، ج 2، ص 260-259).

به وجود آوردن شبکه و کالت، نمونه بسیار روشن از فعالیت سیاسی ائمه : در دوران حضور است که از دوران امام کاظم 7 به بعد، آمار و کلا چند برابر شده و فعالیت این شبکه بسیار گسترده می‌شود (جباری، 1393، ج 2، ص 431-426).

تقویت روحیه امید به آینده و توجیه سیاسی رجال مهم شیعه که در آینده ارکان اساسی شیعه را تشکیل می‌دهند نیز مثال بارز دیگری از حیات سیاسی ائمه : است. چنان که امام عسگری 7 طی نامه‌ای خطاب به علی بن حسین بابویه قمی، یکی از فقهای بزرگ شیعه در آن عصر، ایشان و شیعیان مرتبط با او را برای دوران غیبت مهیا نموده و به صبر و بردباری و انتظار فرج در عصر غیبت دعوت می‌کند (ابن بابویه، 1404ق، ص 21-20 و ابن شهر آشوب، 1379ق، ج 4، ص 426-425).

### جزئی‌نگری به تاریخ اهل بیت :

برداشت نادرست از مفهوم فعالیت سیاسی و عدم التفات به همه محورهای مبارزه سیاسی، برخی از محققان سیره اهل بیت : را به جزئی‌نگری در تحلیل تاریخ اهل بیت و توهم عدم احساس مسئولیت حکمرانی سیاسی نسبت به برخی از امامان شیعه سوق داده است؛ در حالی که برخی از عالمان و محققانی که تصویر جامعی از مفهوم محورهای فعالیت سیاسی داشته‌اند، با نگرش یک‌پارچه به سیره اهل بیت : معتقدند همه امامان شیعه هموار مشغول مبارزه سیاسی بوده‌اند و هر امامی حلقه‌ای از حلقات

مبارزه مستمر سیاسی را تحقق می‌بخشید و امام بعدی کار امام قبلی را دنبال می‌کرد؛ به طوری که می‌توان گفت اقدام هر امامی مکمل اقدام امام قبلی و بسترساز اقدام امام بعد از خود است. بر اساس این پایگاه فکری، امامان شیعه به مثابه انسان ۲۵۰ ساله‌ای هستند (خامنه‌ای، ۱۳۹۰، ص ۱۶-۱۵ و ۲۰) که یک هدف و یک مقصد را با تاکتیک‌های مختلف تعقیب می‌کنند، ولی اختلاف در تاکتیک ناشی از اختلاف نظر آن‌ها با یکدیگر نیست، بلکه از تمایز شرایط زمانی‌شان نشأت می‌گیرد. به گونه‌ای که اگر هر امامی جای امام دیگر بود، کار همان امام را انجام می‌داد. اگر امام حسن ۷ در موقعیت زمانی امام حسین ۷ مسئولیت امامت را به عهده داشت، قیام می‌کرد و بر عکس، اگر امام حسین ۷ در موقعیت زمانی امام حسن ۷ مسئولیت امامت را به عهده داشت، صلح می‌کرد.

شهید محمدباقر صدر (م ۱۴۰۰ق) در کتاب ارزشمند «أئمة اهل البيت : و دورهم فی تحصین الرسالة الاسلامیة» مسأله یک‌پارچگی و پیوستگی سیره اهل بیت : راستای تحقق اهداف مشترک را به صورت کلی مطرح کرد (صدر، ۱۳۹۳، ص ۱۰۶). ایشان معتقدند با نگرش یک‌پارچه به زندگی اهل بیت : معلوم می‌شود آنان همواره فعالیت سیاسی داشته‌اند و مراقب بوده‌اند تا جامعه در ورطه خطر نابودگر فرو نیفتد. مهم‌ترین گونه‌های رسالت سیاسی آنان در برخورد با حاکمان زمانه‌شان عبارت بود از بازداشتن حاکم از کج‌روی بیش‌تر، رسواسازی پیشوای کج‌رو، رویارویی با مشکلاتی که کرامت حکومت اسلامی را تهدید می‌کردند، نجات حکومت اسلامی در برابر تهدید استقلال آن از سوی [حکومت] کفر، مخالفت با پیشوایان کج‌رو؛ به گونه‌ای که چهره حقیقی رسالت را بازتاب دهد؛ اگر چه این نوع از مخالفت اکثراً در قالب جنگ نبود، بلکه حالت سلبی و تحریمی داشت، اما در باطن کنش ایجابی بزرگی در حمایت از اسلام و محافظت از آرمان‌ها و ارزش‌ها بوده است (صدر، ۱۴۰۰، ص ۱۳۰-۱۲۳).

شاهد مهم دیگر شهید صدر بر نقش فعال اهل بیت : در عرصه سیاست و حکومت، مراقبت شدید حاکمان منحرف نسبت به اهل بیت و نگرانی شدید آنان از

فعالیت و نقش ایشان در مواضع امت اسلامی است:

آن چنان که این نگرانی، گاه به درجه وحشت می‌رسید. از این رو، آنان پیوسته امامان را در بند حفاظت شدید و مراقبت سخت باز می‌داشتند و می‌کوشیدند تا ایشان را از پایگاه‌های مردمی‌شان دور نگه دارند و سپس برای زندگی‌شان دسیسه می‌چیدند و برای خلاصی از خطرشان به شهادت‌شان می‌رساندند(همان).

راز وحشت حاکمان از اهل بیت : جز نقش فعال آنان بر ضد حاکمان جور در جامعه نیست.

شهید صدر در مواجهه با این سؤال که آیا امامان شیعه تلاش می‌کرده‌اند تا حکومت را به دست بگیرند، می‌فرماید:

امامان : برای برپایی پایه‌های حکومت شایسته به دست خود، تنها قیام با شمشیر و پیروزی مسلحانه موقت را کافی نمی‌دیدند. برپایی و نهادینه‌سازی چنین حکومتی در نظر ایشان تنها بر آماده‌سازی حمله نظامی متوقف نیست، بلکه پیش از آن بر آماده‌سازی سپاهی عقیدتی متوقف است که به امام و عصمت ایشان ایمانی مطلق دارد و هدف‌های بزرگ ایشان را کاملاً درک می‌کند و پشتیبانی برنامه ایشان در عرصه حکومت است و از دستاوردهای امام برای امت نگهبانی می‌نماید(همان، ص ۳۱).

این سخن نشان می‌دهد که از منظر شهید صدر اقدامات اهل بیت : در زمینه تقویت بنیه دینی و اعتقادی جامعه، مقدمه تحکیم مبانی جهاد برای برپایی حکومت اسلامی بوده است.

شهید صدر حرکت فعال امامان شیعه را در نگرش کل‌گرا به سه مرحله تقسیم می‌کند: مرحله نخست: مرحله مصون‌سازی در برابر آسیب کج‌روی است. در این دوران که دوران امامت چهار امام نخست را در بر می‌گیرد، اهل بیت : در صددند از رسالت اسلامی و عقاید اسلامی و وجود امت اسلامی محافظت کنند(همان، ص ۱۳۹-۱۳۸).



مرحله دوم: مرحله تشکیل گروه شایسته است که این مرحله تقریباً از دوران امام باقر 7 شکل می‌گیرد و تا زمان امام کاظم 7 ادامه می‌یابد (همان، ص ۱۴۰). مأموریت جدید امامان بعد از مصون‌سازی در برابر آسیب کژروی، این بود که از میان مجموع امت که در کم‌ترین حد مصون شده بودند، گروهی شایسته را برگزینند و آنان را در بیش‌ترین حد ممکن مصون بسازند و در بیش‌ترین حد ممکن آگاه نمایند تا این گروه، پیش‌گام و راهبر و پشتیبان کسانی که کم‌ترین حد مصونیت را دارند، باشند (همان).

مرحله سوم: مرحله گسترش و آمادگی برای به‌دست‌گرفتن حکومت بود که از زمان امام کاظم 7 آغاز شد و تا زمان آخرین امام استمرار یافت. در این مرحله، جهان اسلام به چنان درجه‌ای از گستردگی و رشد و نفوذ فکری رسید که دیگر برای حکومت‌های کج‌رو جامعه اسلامی در آن دوره خطری حقیقی به‌شمار می‌رفت. در این هنگام، جامعه شیعه توانست تحت هدایت‌ها و حمایت‌های امامان در مرحله دوم، مہیای گسترش و به‌دست‌گرفتن حکومت شود. خلفای منحرف دریافتند رهبری اهل بیت : به سطحی رسیده که می‌تواند زمام حکومت را در دست بگیرد و جامعه اسلامی را به عرصه اسلام حقیقی بازگرداند. از این‌رو، از دوره امام کاظم 7 واکنش خلفا در برابر امامان : به طور اساسی تغییر کرد و امامان را زندانی کرده یا در نزدیک دارالاماره خود به شدت تحت نظر گرفتند (همان).

آیه‌الله سیدعلی خامنه‌ای نیز معتقد است امامان شیعه نور واحدی هستند، «کلهم نور واحد» (ابن بابویه، ۱۳۷۸ق، ج ۲، ص ۴۱۷)؛ یعنی همه‌شان معصومند و دارای شخصیت واحدی هستند و بدون شک آرمان واحدی دارند. از این‌رو، گفتار و کردارشان در آنچه مربوط به سعادت انسان است، یک‌سان است، لذا دوران ۲۵۰ ساله عصر حضور امامان شیعه - از امام علی 7 تا امام عسکری 7 - را می‌توان دوران زندگی یک انسان به حساب بیاوریم که ۲۵۰ سال عمر کرده است؛ به طوری که تمام کارهای ائمه : در طول این ۲۵۰ سال را می‌توان کار یک انسان و با یک هدف در نظر گرفت که بر حسب موقعیت‌های مختلف، تاکتیک‌های مختلفی دارد؛ همان‌گونه که یک انسان حکیم و عاقل در راستای نیل به هدف بلند خویش در یک حرکت بلندمدت، تاکتیک‌های

موضعی خاصی خواهد داشت؛ گاهی تند و گاهی کند حرکت می‌کند، گاهی عقب‌نشینی حکیمانه و گاهی پیش‌روی دارد، ولی همه آن‌ها از منظر ناظری که از علم و حکمت و هدف‌داری او آگاهی دارد، یک حرکت رو به جلو محسوب می‌شود (خامنه‌ای، ۱۳۹۹، ص ۴ و همو، ۱۳۹۰، ص ۲۰).

ایشان معتقد است ائمه .: وقتی اسلام را در غربت دیدند، چند هدف اصولی را تعقیب کردند؛ هدف نخست آنان «تبیین اسلام» و هدف دوم، «تبیین مسأله امامت» بود. آنان با تبیین معارف اسلامی جلوی تحریف دین را می‌گرفتند و با بیان شرایط حاکم و زمام‌دار جامعه اسلامی و معرفی مصادیق آن، به مردم مشروعیت حاکمان جور زمانه را زیر سؤال می‌بردند. هدف سوم آنان یک حرکت مستمر سیاسی و انقلابی برای تشکیل حکومت بر مبنای اسلام ناب بود (خامنه‌ای، ۱۳۹۰، ص ۲۵-۲۰). آیه‌الله خامنه‌ای بر این باور است که اهل بیت : همواره برای مبارزه تا برپایی حکومت اسلامی و احیای حکومت علوی طراحی و برنامه‌ریزی کرده و بر اساس آن عمل نموده‌اند (همان، ص ۱۸-۱۷).

ایشان سیره سیاسی هیچ امامی را یک رفتار عکس‌العملی و واکنشی ارزیابی نمی‌کند، بلکه معتقد است همه ائمه : کنش‌گران فعال در عرصه سیاست بوده‌اند. این طور نبود که در خانه بنشینند و بعد از این‌که شرایط مبارزه سیاسی را دیگران فراهم نمودند و از آن‌ها درخواست هم‌کاری کردند، وارد عرصه مبارزات سیاسی شوند، بلکه خودشان به دنبال ایجاد شرایط مناسب برای برپایی قیام نجات‌بخش برای تشکیل حکومت بوده‌اند و اگر کسی بپرسد پس چرا حکومت پایداری تشکیل نداده‌اند، پاسخ این است که فقدان شرایط مناسب، باعث عدم تحقق حکومت اهل بیت : بود (خامنه‌ای، ۱۳۹۹، ص ۵).

این منظر فکری با التفات به انواع مبارزه سیاسی و نگرش همه‌جانبه به تاریخ اهل بیت، بر مبنای «مبارزه حاد سیاسی» ائمه : در طول تاریخ ۲۵۰ ساله عصر حضور آنان بنا شده است. منظور از «مبارزه حاد سیاسی» در این نظریه، برنامه‌ریزی و مبارزه مستمر برای احیای حکومت نبوی و علوی، در سه مرحله زمانی کوتاه‌مدت، میان‌مدت و درازمدت است (همان، ص ۶-۵).

مرحله اول از دوران امام علی 7 آغاز و تا پایان دوره امامت امام حسین 7 ختم می‌شود. در این مرحله اهل بیت : به دنبال برپایی حکومت در کوتاه‌مدت بوده‌اند. مرحله دوم از دوران امامت امام سجاد 7 آغاز و تا پایان دوران امام کاظم 7 استمرار می‌یابد. در این مرحله اهل بیت در پی برپایی حکومت در میان‌مدت بوده‌اند. مرحله سوم از دوران امامت امام رضا 7 آغاز و تا پایان دوران حضور امام مهدی (عج) ادامه می‌یابد. در این مرحله، اهل بیت : تلاش خود را مصروف تشکیل حکومت علوی در درازمدت کرده‌اند (خامنه‌ای، ۱۳۹۰، ص ۷۷-۷۶ و همو ۱۳۹۶، ص ۲۸۷-۲۷۷).

آیه‌الله خامنه‌ای در پایان به این جمع‌بندی می‌رسد که همه امامان شیعه همواره در حال مبارزه سیاسی بوده‌اند و هدف این سیره مبارزاتی تشکیل حکومت علوی بر پایه اسلام ناب محمدی؛ یعنی بر اساس آموزه‌های قرآن و اهل بیت : بود؛ البته ائمه به این هدف دست یافتند؛ زیرا آن جریان در ظاهر مغلوب که دارای عده و عده زیادی نبود، بعد از سال‌ها بر جریان ظاهراً غالب پیروز شد. دیگر نامی از اموی‌ها و عباسی‌ها بر سر زبان‌ها نیست و تاریخ آن‌ها را باید در کتاب‌خانه‌ها لابه‌لای کتاب‌های تاریخی جست‌وجو کرد، اما در مقابل، مکتب اهل بیت : روز به روز بالنده‌تر و شکوفاتر شد و به واسطه شاگردان ائمه و خاصان آن‌ها و هدایت امام زمان (عج) به پیش رفته است و بالأخره با ظهور آن منجی عالم بشریت، حرکت مستمر اهل بیت بعد از پیامبر 9 برای بازگرداندن حکومت علوی به دامان ائمه : منتج به نتیجه خواهد شد (خامنه‌ای، ۱۳۹۰، ص ۳۳۰).

**غفلت از انگیزه تقابل حاکمان با اهل بیت :** پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
یکی از نقدهای مهمی که بر دیدگاه منکران مسؤولیت حکمرانی سیاسی اهل بیت : وارد است، این است که اگر فعالیت امامان معصوم : تنها یک فعالیت اعتقادی یا به تعبیر این نویسندگان فقط یک امامت معنوی بود، پس چرا ائمه : در طول حیات‌شان به واسطه حاکمان زمان خود مورد تعقیب، تبعید، (شیخ مفید، ۱۴۱۳ق(الف)، ج ۲، ص ۲۵۹، ۲۸۹ و ۲۹۷) دستگیر، زندانی، آزار و اذیت قرار می‌گرفتند

(شیخ مفید، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۳۰۳ و مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۷، ص ۲۱۲-۱۶۲) و در نهایت آن‌ها را به شهادت می‌رسانند؟ اگر آن‌ها در سیاست دخالت نداشته، تهدیدی برای حاکمان نبودند و به کار خود مشغول بودند، چرا با آن‌ها چنین برخوردهایی می‌شد؟!

اگر امامان شیعه فقط به یک کار علمی اشتغال داشتند و کاری با دستگاه حاکمه نداشتند، چرا در طول دو قرن و نیم از دوران حیات‌شان همواره زیر نظر دستگاه‌های اطلاعاتی و امنیتی دستگاه حاکمه زمانه‌شان قرار گرفتند؟ (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۳۱۰ و ۴۷۶؛ بحرانی، ۱۴۱۳ق، ج ۵، ص ۲۲۳؛ جباری، ۱۳۹۳، ج ۲، ص ۴۸۳؛ ابن بابویه، ۱۳۷۸ق، ج ۲، ص ۹۳-۹۲ و مالکی، ۱۴۲۲ق، ج ۲، ص ۹۵۵-۹۵۴) چرا حکومت‌ها دست خود را به خون بهترین انسان‌های در زمان خود آکنده کردند و تهمت کشتن امامان و رهبران شیعه و اولاد پیامبر  $\text{ﷺ}$  را به جان خود خریدند؟ چرا در همان زمان، علمای دیگر از طرف همان حاکمان مورد تمجید و ستایش قرار می‌گرفتند؟ (ابن کثیر، بی‌تا، ج ۹، ص ۳۴۱ و شیخ مفید، ۱۴۱۳ق(الف)، ج ۲، ص ۲۸۳) اگر مسأله فقط بحث علمی بود، ائمه : نیز باید مورد ستایش دستگاه حاکمه زمان‌شان قرار می‌گرفتند؛ درحالی که چنین اتفاقی نیفتاد. لذا پر واضح است که فعالیت سیاسی - مبارزاتی ائمه : باعث چنین عکس‌العمل‌های تند دستگاه خلافت بر ضد آنان و شیعیان ایشان در طول زندگانی آنان بوده است.

### نتیجه‌گیری

۱. منکران حکمرانی سیاسی اهل بیت : را به دو دسته منکران حکمرانی سیاسی همه اهل بیت و منکران حکمرانی برخی از اهل بیت می‌توان تقسیم کرد.
۲. طبق نظریه دسته اول، هیچ یک از اهل بیت :، نه از سوی خدا وظیفه حکمرانی بر مردم داشتند و نه احساس چنین وظیفه‌ای را در دوران خود داشتند، لذا عزم تصاحب مدیریت سیاسی جامعه در آن‌ها مشاهده نمی‌شد.
۳. مهم‌ترین نقدهای این نظریه این است که اولاً: هدف از تشکیل حکومت را

تحمیل دین بر مردم می‌گیرد؛ در حالی که تشکیل حکومت در اسلام با هدف  
تحمیل کردن دین بر مردم نیست، بلکه تشکیل حکومت ابزاری برای بسترسازی حیات  
طیبه و تعلیم و تزکیه مردمی است که دین و حکومت دینی را پذیرفته‌اند.

۴. ثانیاً: حامیان این نظر، بین آموزه دینی ممنوع‌بودن، مجبورکردن مردم به پذیرش  
اصل دین اسلام و لزوم اجرای احکام اسلام در جامعه خلط کرده‌اند؛ در حالی که انجام  
فریضه امر به معروف و نهی از منکر و اجرای قوانین مجازات اسلامی جزء وظایف  
مسلم حاکم و حکومت اسلامی است.

۵. ثالثاً: طبق آیه شریفه «أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ» (نساء: ۴: ۵۹)؛ ای  
کسانی که ایمان آورده‌اید! از خدا اطاعت کنید و از رسول خدا و اولوالامر [اوصیای  
پیامبر] نیز اطاعت کنید و روایات ناظر به این که اهل بیت : مصداق «اولوالامر»  
هستند. هم‌چنان که رسول خدا ۹ حاکمیت دینی و سیاسی بر مردم داشت، امام  
علی 7 و سایر اهل بیت نیز از این حاکمیت برخوردارند.

۶. طبق نظریه دسته دوم، برخی از امامان شیعه برای خود رسالت سیاسی تعریف  
کرده و در پی تشکیل حکومت بودند، ولی برخی دیگر تنها به امامت علمی و دینی  
اکتفا نموده‌اند.

۷. مهم‌ترین نقدهای وارد بر این نظریه این است که اولاً: فعالیت‌های سیاسی را در  
قیام مسلحانه منحصر می‌کند. در حالی که فعالیت سیاسی، مفهوم وسیع‌تری داشته و  
شامل تولید و نشر یک اندیشه یا شعار بر ضد رژیم حاکم نیز می‌شود.

۸. ثانیاً: در اثر محدودکردن فعالیت‌های سیاسی به قیام مسلحانه مبارزات سیاسی  
برخی از امامان شیعه در قالب موعظه، تأیید برخی از قیام‌های مسلحانه، مناظرات  
علمی، تربیت نیرو، کادرسازی، تشکیل نهاد وکالت را جزء فعالیت‌های سیاسی اهل  
بیت : نشمرده‌اند.

۹. ثالثاً: تقابل حاکمان زمان اهل بیت با آنان و تعقیب، آزار و حبس و سرانجام  
به‌شهادت‌رساندن آنان بهترین شاهد بر مبارزه سیاسی آنان با دستگاه حاکمه ظالم  
زمانه‌شان است.

۱۰. رابعاً: همه امامان شیعه برای تشکیل حکومت اسلامی مبارزه پی‌گیری داشته‌اند، لکن برخی از امامان در کوتاه‌مدت، برخی دیگر در میان‌مدت و برخی دیگر در درازمدت در پی تشکیل حکومت بوده‌اند.

۱۱. امامان شیعه به مثابه انسان ۲۵۰ ساله‌ای هستند که یک هدف و یک مقصد را با تاکتیک‌های مختلف تعقیب می‌کنند، ولی اختلاف در تاکتیک ناشی از اختلاف نظر آن‌ها با یک‌دیگر نیست، بلکه از تمایز شرایط زمانی‌شان نشأت می‌گیرد.

۱۲. ثمره این مبارزه پی‌گیر، بقای مکتب اهل بیت : و جنبش شیعی و گسترش آن در تاریخ و نابودی دشمنان شیعه و مخالفان آن‌ها؛ مانند امویان و عباسیان در تاریخ شد؛ به علاوه بستر لازم برای حکومت جهانی حضرت ولی عصر (عج) فراهم آمد.

#### منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه.
۳. ابن ابی زینب، محمد بن ابراهیم، الغیبة للنعمانی، محقق / مصحح: علی‌اکبر غفاری، تهران: نشر صدوق، ۱۳۹۷ق.
۴. ابن اثیر، علی بن محمد جزری، الکامل فی التاریخ، ج ۴، بیروت: دارالصادر، ۱۳۸۵.
۵. ابن بابویه، علی بن حسین، الإمامة و التبصرة من الحیرة، محقق / مصحح: مدرسه امام مهدی 7، قم: مدرسة الإمام المهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، ۱۴۰۴ق.
۶. ابن بابویه، محمد بن علی، عیون أخبار الرضا 7، محقق / مصحح: مهدی لاجوردی، ج ۱ و ۲، تهران: نشر جهان، ۱۳۷۸ق.
۷. ابن بابویه، محمد بن علی، کمال الدین و تمام النعمة، محقق / مصحح: علی‌اکبر غفاری، ج ۲، تهران: اسلامیه، ج ۲، ۱۳۹۵ق.
۸. ابن تیمیه، احمد بن عبدالحلیم و سالم، محمد رشاد، منهاج السنة النبویة، ج ۴ و ۷، ریاض عربستان: المملكة العربية السعودية، وزارة التعليم العالی، جامعة الامام محمد بن سعود الاسلامیة، ۱۴۰۶ق.
۹. ابن حیون، نعمان بن محمد مغربی، شرح الأخبار فی فضائل الأئمة الأطهار :، محقق / مصحح: محمدحسین حسینی جلالی، ج ۱، قم: جامعه مدرسین، ۱۴۰۹ق.

۱۰. ابن شهر آشوب، محمد بن علی، مناقب آل أبي طالب 7 (لابن شهر آشوب)، ج ۴، قم: علامه، ۱۳۷۹ق.
۱۱. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، البداية و النهاية، تحقیق: خلیل شحاده، ج ۹، بیروت: دارالفکر، بی تا.
۱۲. اربلی، علی بن عیسی، کشف الغمة فی معرفة الأئمة، ج ۲، قم: رضی، ۱۴۲۱ق.
۱۳. اصفهانی، ابوالفرج، مقاتل الطالبیین، تحقیق: احمد صقر، بیروت: مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۸ق.
۱۴. امام خمینی، سیدروح الله، صحیفه امام، ج ۱۳، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۵۹.
۱۵. بازرگان، مهدی، آخرت و خدا: هدف بعثت انبیا، تهران: رسا، ۱۳۷۷.
۱۶. بحرانی، سیدهاشم بن سلیمان، مدینه معاجز الأئمة الإثنی عشر، ج ۵، قم: مؤسسة المعارف الإسلامية، ۱۴۱۳ق.
۱۷. تستری، محمدتقی، قاموس الرجال، تحقیق: مؤسسة النشر الاسلامی، ج ۷ و ۱۰، قم: جامعه مدرسین، الطبعة الثانية، ۱۴۲۸ق.
۱۸. جباری، محمدرضا، سازمان وکالت و نقش آن در عصر حضور ائمه، ج ۲، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ج ۲، ۱۳۹۳.
۱۹. جوادی آملی، عبدالله، ولایت فقیه: ولایت، فقاقت و عدالت، قم: اسراء، ج ۶، ۱۳۷۹.
۲۰. جولوس، گولد و ویلیام ل، کولب، فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه گروه مترجمان، به کوشش محمدجواد زاهدی، تهران: مازیار، ۱۳۷۶.
۲۱. حسن، ناجی، ثورة زيد بن علي، بیروت: الدار العربية للموسوعات، ۱۴۲۱ق.
۲۲. خامنه‌ای، سیدعلی، انسان ۲۵۰ ساله، گردآوری و تنظیم: کمیته فرهنگی، تهران: مؤسسه ایمان جهادی، صهبا، ۱۳۹۰.
۲۳. خامنه‌ای، سیدعلی، حماسه امام سجاد 7، تهران: انتشارات انقلاب اسلامی، ۱۳۹۹.
۲۴. خامنه‌ای، سیدعلی، دو امام مجاهد: امام حسن و امام حسین 8، تهران: انتشارات انقلاب اسلامی، ۱۳۹۶.
۲۵. رضایی، محمدجعفر و نصیری، محمد، «نظریه (امامت باطنی در تشیع نخستین) در بوتّه نقد»، فصلنامه علمی - پژوهشی فلسفه و الاهیات، سال هفدهم، ش ۳، پاییز ۱۳۹۱.

٢٦. زبيدي، محمد بن محمد، تاج العروس من جواهر القاموس، محقق / مصحح: علي شيري، ج ٨، بيروت: دارالفكر، ١٤١٤ق.
٢٧. شيبى، كامل مصطفى، الصلة بين التصوف و التشيع، ج ٢، بيروت: دارالأندلس، ١٩٨٢م.
٢٨. شيخ مفيد، محمد بن محمد، الارشاد فى معرفة حجج الله على العباد، تحقيق مؤسسة آل البيت : لاحياء التراث، ج ٢، قم: المؤتمر العالمى لالفية الشيخ المفيد، ١٤١٣ق(الف).
٢٩. شيخ مفيد، محمد بن محمد، أوائل المقالات فى المذاهب و المختارات، قم: المؤتمر العالمى للشيخ المفيد، ١٤١٣ق(ب).
٣٠. صدر، سيدمحمدباقر، ائمة اهل البيت : و دورهم فى تحصين الرسالة الاسلامية، قم: مؤسسه فرهنگى و اطلاع رسانى تبيان، ١٣٩٣.
٣١. صدر، محمدباقر، امامان اهل بيت : مرزبانان حريم اسلام، ترجمه رضا ناظميان و حسام حاج مؤمن، قم: دارالصدر، ج ٢، ١٤٠٠.
٣٢. على بن الحسين، امام چهارم 7، الصحيفة السجادية، قم: دفتر نشر الهادى، ١٣٧٦.
٣٣. قندوزى، سليمان بن ابراهيم، ينابيع المودة لذو القربى، ج ٣، قم: اسوه، ج ٢، ١٤٢٢ق.
٣٤. كلينى، محمد بن يعقوب، الكافى، محقق / مصحح: على اكبر غفارى و محمد آخوندى، ج ١، تهران: دارالكتب الإسلامية، ج ٤، ١٤٠٧ق.
٣٥. مالكي، ابن صباغ، الفصول المهمة فى معرفة الأئمة :، ج ٢، قم: دارالحديث، ١٤٢٢ق.
٣٦. مجلسى، محمدباقر، بحار الأنوار، جمعى از محققان، ج ٤٧، بيروت: دارإحياء التراث العربى، ج ٢، ١٤٠٣ق.
٣٧. محمود صبحى، احمد، نظرية الامامة لدى الشيعة الاثنى عشرية؛ تحليل فلسفى للعقيدة، بيروت: دارالنهضة العربية، ١٤١١ق.
٣٨. مختار ليشى، سميره، جهاد الشيعة فى العصر العباسى الاول، قم: دارالكتاب الاسلامى، ١٤٢٨ق.
٣٩. مصباح يزدى، محمدتقى، حقوق و سياست در قرآن، قم: مؤسسه آموزشى و پژوهشى امام خمينى ؛، ١٣٨٤.
٤٠. مصباح يزدى، محمدتقى، راهنماشناسى، تهران: اميركبير، ١٣٧٥.